

واکاوی تهدیدات امنیتی داعش بر محور مقاومت و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

* محمدعلی بصیری

** سید علی مجیدی نژاد

*** سید قائم موسوی

چکیده

پژوهش حاضر با هدف واکاوی تهدیدات امنیتی گروه سلفی جهادی داعش بر محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تنظیم شده است و تلاش اصلی نویسندگان در این پژوهش ارائه پاسخی علمی و عینی بدین سؤال است که گروه سلفی جهادی داعش با عقایدی ضد شیعه چه تهدیداتی را می‌تواند علیه محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران داشته باشد؟ فرضیه پژوهش حاکی از آن است که تهدیدات ناشی از این گروه در سطوح مختلف سیاسی، امنیتی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی خواهد بود، و حضور داعش به عنوان عامل تهدید در ژئوپلیتیک شیعه باعث صدمه به وجاهت رحمانی اسلام، تضعیف محور مقاومت، چرخش توازن قدرت به سمت رژیم غاصب صهیونیست و اعراب محافظه‌کار و حضور دوباره آمریکا در قالب اتحاد علیه داعش و محاصره فیزیکی ایران در ژئوپلیتیک شیعه می‌شود. این پژوهش با استفاده از مکتب کپنهاگ به روش توصیفی - تحلیلی با ابزار کتابخانه‌ای تهدیدات داعش بر امنیت ملی ج.ا.ایران و محور مقاومت را مورد بررسی قرار داده است.

واژگان کلیدی

داعش، امنیت ملی، تهدیدات امنیتی ملی، ج.م.ا.ایران، محور مقاومت، مکتب کپنهاگ.

*. استادیار و عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان. basiri360@yahoo.com

** دانش آموخته روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان. alimajidinejad897@gmail.com

*** استاد معارف و دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد شهرضا. ghaem.mosavi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۵/۷/۲۴ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۱/۲۷

طرح مسئله

یکی از گروه‌های سلفی جهادی که در حال حاضر پس از تحولات عربی نقش مخربی در سیاست‌های منطقه جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت در خاورمیانه ایفاء کرده است، گروه سلفی جهادی داعش است که هر روز بر دامنه نفوذ آن در مناطق محور مقاومت (عراق و سوریه)، افزوده می‌شود. این گروه سلفی جهادی با عقاید ضد شیعه، ضد جمهوری اسلامی ایران و ضد محور مقاومت از سال ۲۰۱۵ م. بخش‌هایی از محور مقاومت (از عراق تا سوریه) را با حملات تروریستی خود و با پشتیبانی کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تسخیر نموده و باعث بی‌ثباتی امنیتی، سیاسی، اقتصادی و مذهبی در این منطقه شده است. از آنجایی که واقعیات ژئوپلیتیکی و ویژگی‌های قومی و مذهبی جمهوری اسلامی ایران به گونه‌ای است که امنیت آن را با محور مقاومت پیوند زده است، لذا بی‌ثباتی‌های ناشی از عملکرد این گروه در محور مقاومت باعث تهدید سرمایه‌های راهبردی ایران در منطقه شده است و تهدیدات امنیتی را علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت ایجاد کرده است. از این منظر شناخت تهدیدات امنیتی گروه تروریستی داعش بر محور مقاومت و امنیت جمهوری اسلامی ایران امری ضروری است، چراکه محور مقاومت، حوزه امنیت راهبردی جمهوری اسلامی ایران است و اگر این حوزه در آینده علیه ایران باشد و یا متحد با ایران نباشد، دچار مشکل راهبردی نظامی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خواهد شد.

بنابراین شناخت واقعی سیاست‌ها و راهبردهای دشمن به خصوص در محیط جمهوری اسلامی ایران به منظور اتخاذ تدابیر و تمهیدات مقابله‌ای، امری ضروری بوده و نیاز است مراکز دفاعی و راهبردی کشور با این هدف، تحرک‌های دشمن در منطقه و همکاری آن با کشورهای همسایه را با دقت رصد نموده تا بتواند با شناسایی تهدیدها، کشور را برای هرگونه اقدام مقابله‌ای در قبال تهدید آماده نمایند. پژوهش حاضر با هدف شناخت تهدیدات امنیتی گروه سلفی گری - داعش بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت تنظیم شده است. سؤال اصلی حاکی از این است که گروه سلفی جهادی داعش چه تهدیداتی را می‌تواند علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت با مرکزیت ایران داشته باشد؟ تهدیدات امنیتی گروه سلفی جهادی داعش چه ابعادی از امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت را در بر خواهد گرفت؟ فرضیه پژوهش حاکی از این است که گروه سلفی جهادی داعش تهدیدات موسعی را در ابعاد امنیتی، نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی علیه امنیت جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت به وجود خواهد آورد که در داخل متن به هرکدام به صورت جداگانه خواهیم پرداخت.

پیشینه پژوهش

در رابطه با پیشینه پژوهش «اردشیر سنایی» در مقاله‌ای تحت عنوان «ظهور داعش و تأثیر آن بر سیاست

خارجی جمهوری اسلامی ایران»، در چارچوب نظریه سازه‌نگاری به تأثیر داعش بر اصول سیاست خارجی ج.ا.ایران مندرج در قانون اساسی پرداخته و بیشتر بر تأثیرات هویتی داعش بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی تأکید کرده و به تهدیدات نظامی، سیاسی و اقتصادی آن علیه ایران اشاره‌ای نکرده (سنایی، ۱۳۹۵: ۱۴۷) «علی آدمی» در مقاله‌ای تحت عنوان «تأثیر تهدیدات گروه‌های سلفی - تکفیری بر امنیت هستی‌شناختی ج.ا.ا.» به تأثیرات داعش بر امنیت هستی‌شناسی ایران که بیشتر بعد فرهنگی و هویتی را در بر می‌گیرد، پرداخته و دیگر جنبه‌های تهدیدات از جمله تهدیدات نظامی و اقتصادی و تهدیدات ناشی از داخل مورد بررسی قرار نگرفته است (آدمی، ۱۳۹۵: ۳) و هیچ‌کدام به اهمیت محور مقاومت به‌عنوان راهبرد اصلی جمهوری اسلامی ایران در منطقه اشاره‌ای نکرده‌اند. موارد فوق، هریک می‌توانند به فراخور موضوع مرتبط گردند، لکن نوآوری مقاله کنونی از این بعد برجسته است که در مرحله اول به تبیین اهمیت راهبردی محور مقاومت برای ج.ا.ا. پرداخته و در قالب مکتب کپنهاگ که به دنبال خروج از امنیت تک بعدی نظامی و طرح امنیت فراگیر در پی تهدیدات جدید است، تمام جنبه‌های تهدیدات داعش بر محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را واکاوی کرده است.

مبانی نظری تحقیق

مکتب کپنهاگ: مکتب کپنهاگ اصطلاحی است که بیل مک سوئینی^۱ برای آثار و دیدگاه‌های باری بوزان،^۲ آل ویور،^۳ دو ویلد^۴ و برخی دیگر به کار بستند. (Buzan, Weaver, 1998:9)

الف) امنیت از منظر مکتب کپنهاگ

در «مکتب کپنهاگ» باری بوزان امنیت را در برابر «رهایی از تهدید» تعریف می‌نماید و معتقد است که امنیت در نبود مسئله دیگری به نام «تهدید» درک می‌شود. از نظر بوزان، امنیت به توان دولت‌ها و جوامع جهت حفظ هویت مستقل و تمامیت عملی آن مربوط می‌گردد. (Buzan, 1998: 302) این مکتب امنیت را از جنبه‌های گوناگون مورد مطالعه قرار داده است. باری بوزان در کتاب خود تحت عنوان مردم، دولت‌ها و هراس، امنیت اجتماعات بشری را به پنج مقوله تقسیم کرده: نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی. (عبداله خانی، ۱۳۸۸: ۵۰) امنیت نظامی: به اثرات متقابل توانایی‌های تهاجمی و دفاعی مسلحانه دولت‌ها و نیز برداشت آنها از مقاصد یکدیگر مربوط می‌شود. امنیت سیاسی: ناظر بر ثبات سازمانی دولت‌ها، سیستم حکومتی و ایدئولوژی‌هایی است که به آنها مشروعیت می‌دهد. امنیت اجتماعی: به قابلیت حفظ الگوهای

1. Bill Mc Sweeney.
2. Barry Buzan.
3. Ole Waver .
4. De Wild.

سنتی زبان، فرهنگ، مذهب و هویت و عرف ملی، با شرایط قابل قبولی از تحول مربوط است. امنیت زیست محیطی: ناظر است بر حفظ محیط محلی جهانی به عنوان سیستم پشتیبانی ضروری که تمامی حیات بشری بدان متکی است. امنیت اقتصادی: یعنی دسترسی به منابع، مالیه و بازارهای لازم برای حفظ سطوح قابل قبولی از رفاه و قدرت دولت. (Buzan, 1998: 328)

ب) امنیت ملی از منظر مکتب کپنهاگ

در تعریفی از اف. ان. سیمونی:^۱ امنیت ملی عبارت از آن بخش از سیاست دولت است که هدفش شرایط مساعد سیاسی ملی و بین‌المللی برای حفاظت یا گسترش ارزش‌های حیاتی ملی در مقابل دشمنان موجود و بالقوه می‌باشد. باری بوزان معتقد است در مسئله امنیت بحث اصلی درباره رهایی از تهدیدات است و وقتی این بحث در عرصه بین‌الملل مطرح می‌شود، امنیت به معنی توانایی کشورها و جوامع برای حفظ هویت مستقل و استحکام عملکردی خودی است (بوزان، ۱۳۸۷: ۳۲) بوزان و همکارانش با الهام از ویور، امنیت ملی را مرکز ثقل امنیت می‌دانند. ویور بر این باور است که مفهوم امنیت در سطح دولت شکل می‌گیرد چرا که «به دلیل ساخت سیاسی دولت‌ها و سیستم بین‌المللی، مهم‌ترین زیستگاه کشورها تلقی می‌شود. در واقع ارتباط سیاسی میان دولت‌ها و سیستم مزبور آن قدر نزدیک است که بحث مستقل حول آنها در معرفی اشتباهات اساسی قرار می‌گیرد.» پس این مکتب با توجه به دولت محوری، بعد امنیت ملی را مهم‌ترین ابعاد شناخت امنیتی خود در سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای، دولتی و اجتماعی ذکر می‌کند. (عبداله خانی، الف ۱۳۸۹: ۸۷)

مکتب کپنهاگ از محدود رهیافت‌هایی است که «امنیت موسع»، «تهدیدات امنیتی»، «امنیت ملی»، «بقاء»، «ایده حاکمیت» و «هویت» محور و پایه اساسی آن است، مکتب کپنهاگ به علت وجود طرح امنیت موسع در برابر امنیت مضیق و برای جلوگیری از خطر بی‌مهابای موضوعات امنیتی در حوزه‌های پنج‌گانه تلاش نموده تا اهداف مرجع امنیت را در برخی از حوزه‌ها مشخص کند. پیروان این مکتب که با استفاده از مفهوم تهدید وجودی موفق به انجام این کار شده‌اند، تهدیدات وجودی را ناظر بر تهدیداتی می‌دانند که موجودیت موضوع مورد نظر را به مخاطره می‌اندازند. بر این اساس، هدف مرجع در بخش نظامی «بقا» در بخش سیاسی «ایده حاکمیت» و نهادهای تجلی‌دهنده آن و در بخش اجتماعی نیز «هویت» است. گفتنی است که ایده حاکمیت به ایدئولوژی، قواعد تشکیل‌دهنده حاکمیت و حتی هویت ملی تفسیر شده است. مکتب کپنهاگ برای بخش‌های اقتصادی و زیست محیطی هدف مرجع مشخصی معرفی نمی‌نماید و معرفی هدف مرجع در بخش اقتصادی را بسیار مشکل می‌داند. (Buzan, 1998: 309)

این مکتب، در مقایسه با دیگر نظریات، امنیت را از جنبه‌های گوناگون مورد مطالعه قرار داده است و تک بعدی بودن امنیت را زیر سؤال برده و با طرح امنیت در پنج حوزه نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و

1. F. N. Simoni.

زیست محیطی مفهوم تک بعدی بودن امنیت را کنار می‌نهد. و به بیان این موضوع می‌پردازد که تهدیدات غیر نظامی می‌تواند امنیت، ثبات و بقای کشورها و همچنین زندگی افراد را تهدید کند. این نوشتار با بهره‌گیری از رهیافت نوین مکتب کپنهاگ در مطالعات امنیتی و تلاش متفکران آن بر خروج از امنیت تک‌بعدی نظامی و طرح امنیت فراگیر در پی ظهور تهدیدات جدید است. (عبداله خانی، ب ۱۳۸۹: ۸۷)

تجزیه تهدیدات وجودی داعش بر محور مقاومت و امنیت ملی ج.ا. ایران در قالب مکتب کپنهاگ

داعش یا دولت اسلامی عراق و شام، نام گروهی از اسلام‌گرایان سنی مذهب (سلفی جهادی) تروریستی است که رهبر کنونی آن ابوبکر البغدادی است. این گروه از سال ۲۰۰۳ به تدریج در عراق قدرت گرفت، نوام چامسکی^۱ معتقد است که اشغال ده ساله خاک عراق از سوی آمریکا و متحدانش منشاء اصلی پیدایش این گروه تروریستی در عراق بوده است. بعد از بحران سوریه و با پیدا شدن فضای سرزمینی مناسب و امکان جذب منابع مالی و انسانی جدی به بازیگری کلیدی در تحولات سوریه و عراق تبدیل شده. (Afrasiabi, 2014: 129) و از سال ۲۰۱۱ م. بخش‌هایی از این منطقه راهبردی جمهوری اسلامی ایران به تسخیر این گروه تروریستی درآمده و به‌طور فزاینده داعش حضور خود را در مناطق شرقی و غربی هم‌جوار ایران گسترش داده است و تهدیدات امنیتی موسعی علیه امنیت ملی ج.ا. ایران و محور مقاومت به وجود آورده است. با توجه به تعریف مدرن مکتب کپنهاگ از امنیت، ناامنی‌های به وجود آمده توسط داعش در مناطق پیرامونی ایران، امنیت ملی آن را در حوزه‌های نظامی (بقاء، ایران، عراق، سوریه و حزب الله)، سیاسی (ایده حاکمیت و ایدئولوژیک ایران)، اقتصادی (سلب امنیت اقتصادی و کاهش صادرات)، اجتماعی (تهدید فرهنگ شیعه از طریق تخریب اماکن مقدس) تهدید می‌کند (Aghazade Khoei.2015: 5) به منظور شناخت ابعاد تهدیدات فوق در ذیل بعد از بررسی اهمیت محور مقاومت بر امنیت ملی ج.ا. ایران، به معرفی آنها پرداخته و تهدیدات داعش علیه امنیت ملی ایران و محور مقاومت در هر یک از ابعاد نظامی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی واکاوی خواهد شد.

محور مقاومت و امنیت ملی ج.ا. ایران

محور مقاومت یک ائتلاف ژئوپلیتیک منطقه‌ای و مرکب از مجموعه بازیگران دولتی (ایران، سوریه و عراق) و غیر دولتی (حزب الله، حماس و جهاد اسلامی) است، که دارای منافع مشترک ملی و ایدئولوژیک می‌باشند و ایران در مرکز آن قرار دارد (رضا خواه، ۱۳۹۱: ۱۲) و امنیت ملی ایران به‌عنوان کشوری که در قلب ژئوپلیتیک شیعه قرار دارد، در قالب دو بعد امنیتی قابل بررسی است:

الف) بُعد نخست، در ارتباط با نظم و ثبات حاکم بر حوزه ژئوپلیتیک شیعه است؛ به این معنا که هرگونه

1. Noam Ghomsky.

بی‌نظمی و بی‌ثباتی سیاسی و نظامی در حوزه ژئوپلیتیک شیعه به بی‌ثباتی و تهدید امنیت ملی ایران منجر خواهد شد. این امر به دلیل مواردی همچون همسایگی، اشتراک مذهبی، تجانس فرهنگی و تاریخی، منافع متقابل اقتصادی، اشتراک منافع و وابستگی جغرافیایی و ژئوپلیتیکی است. (مایل افشار، ۱۳۸۳: ۱۶)

ب) بعد دوم در ارتباط با امنیت ایران در حوزه ژئوپلیتیک شیعه، مربوط به نقش و اهمیت عوامل مختلف داخلی در تضمین و تأمین امنیت و ثبات سیاسی و امنیتی است. (نامدار، ۱۳۸۵: ۱۵) ایران به‌عنوان کشوری که تنوع قومی - مذهبی دارد، همیشه از طرف بسیاری از مخالفان نظام جمهوری اسلامی ایران مورد تهدید قرار می‌گیرد. زمینه ورود داعش به ایران در استان‌های مرزی ایران مانند کردستان، سیستان و بلوچستان، خوزستان و کرمانشاه، کردستان به دلیل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و گرایش‌های مذهبی حائز اهمیت است. (قیداری، ۱۳۹۴: ۱) بنابراین هرگونه بی‌ثباتی و ناامنی در هر یک از حوزه ژئوپلیتیک شیعه می‌تواند امنیت کشورهای دیگر از جمله ایران را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین داعش به‌عنوان بازیگر بی‌ثبات‌گر در کنار آمریکا و رژیم غاصب صهیونیستی تهدیداتی را علیه محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در ابعاد موسع در پی خواهد داشت که مهم‌ترین این تهدیدات در قالب مکتب کپنهاک در چهار حوزه امنیتی - نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی عبارت‌اند از:

الف) تهدیدات نظامی - امنیتی داعش بر محور مقاومت و امنیت ملی ج. ا. ایران

تهدیدات نظامی، مرکز سنتی نگرانی‌های مربوط به امنیت ملی است. معمولاً اقدامات نظامی می‌تواند همه اجزای دولت را تهدید کند. چون استفاده از زور می‌تواند تحولات نامطلوب ناگهانی در سطح گسترده‌ای را سبب شود، تهدیدات نظامی در برنامه امنیت ملی از بالاترین اولویت برخوردارند و اقدام نظامی می‌تواند دستاوردهای ارزشمند در زمینه سیاست، هنر، صنعت، فرهنگ و همه جنبه‌های انسانی را به وسیله زور از بین ببرد. (Buzan, 1998: 3017) لذا داعش یک گروه سلفی جهادی است که از یک سو شیعیان را رافضی یا مرتد از اسلام می‌داند، یعنی وضعیتی که شیعیان محکوم به مرگ خواهند بود. و از سوی دیگر به دنبال براندازی حکومت‌های ملی و قائل بودن به حاکمیت اسلامی در منطقه است، که برای رسیدن به این آرمان‌ها فعالیت‌های تروریستی و حمله نظامی را در دستور کار خود قرار داده است. بنابراین رشد و گسترش دشمنی با چنین آرمان‌هایی در محور مقاومت و کنار مرزهای ایران تهدیدات نظامی مستقیم و غیر مستقیمی را علیه امنیت ملی ایران به همراه خواهد داشت (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۴: کد ۲۳۱) که عبارت‌اند از:

۱. امکان حملات مستقیم نظامی به مرزهای ایران و افزایش هزینه‌های نظامی ایران

ایران ۱۵۰۰ کیلومتر مرز مشترک با عراق دارد و بخش‌هایی از استان‌های هم‌مرز عراق با ایران در تصرف داعش هستند و «در سال ۹۳ داعش در فاصله زمانی کوتاه خود را از استان الانبار عراق به استان دیالی که

هم‌مرز با کرمانشاه و ایلام است، رسانده. از طرف دیگر به «سعه» و «جولاء» آمدند و گام بعدی آنها «خانقین» در دوازده کیلومتری مرز ایران بود که می‌خواستند به ایران بیایند. این گروه تروریستی در مرزهای کشور فضا سازی کرده بود و زاغه مهمات آماده کرده بودند تا در زمان ورودشان با ترور و انفجار آشوب کنند که یگان‌های نیروی زمینی وارد عمل شدند و داعش به عقب رانده شد. «پوردستان، ۱۳۹۵: ۱) و «این گروه تروریستی مهم‌ترین تهدید در عرصه جنگ سخت علیه جمهوری اسلامی ایران است و هرگونه رشد و توسعه آن در محیط پیرامونی ایران موجب افزایش هزینه‌های نظامی خواهد شد» (علوی، ۱۳۹۵: ۲) لذا افزایش فعالیت‌های سخت‌افزارانه گروه‌های سلفی جهادی معارض ج.ا.ا. ایران در کنار مرزهای این کشور باعث می‌شود نظام سیاسی برای به کنترل در آوردن اوضاع، حضور نیروهای پلیس، اطلاعاتی - امنیتی و در نهایت نیروهای مسلح خود را افزایش دهد. این افزایش هزینه‌های نظامی، اطلاعاتی و پلیسی در کشور باعث کاهش منابع مالی و تضعیف نیروی انسانی در نیروهای امنیتی - نظامی می‌شود. (جهانی، ۱۳۹۲: ۳۸)

۲. فرصت‌سازی برای جریان‌های تجزیه طلب در شرق و غرب کشور

یکی از تهدیدهای امنیت خارجی ایران در برنامه پنجم، شیوع تفکرات وهابی و سلفی‌گری در عمق استراتژیک خارجی جمهوری اسلامی ایران است که می‌توان به وضوح آنها را در افغانستان، پاکستان، عراق، لبنان، عربستان و امارات مشاهده کرد. نفوذ و گسترش این تفکرات در قالب گروه‌های سازمان یافته ساختارشکن همچون داعش در کنار مرزهای ایران باعث تشکیل و افزایش سازمان‌ها، احزاب سیاسی - مذهبی و تشکل‌های پنهان و آشکار افراط‌گرای غیر قانونی در داخل و خارج از مرزهای ایران می‌شود و این گروه با تقلیل اسلام محوری به شیعه‌هراسی می‌توانند منجر به ایجاد آشوب‌های قومی - فرقه‌ای مسلحانه در مرزهای ایران شود و این امر در بلندمدت می‌تواند باعث تشدید روندهای واگرایانه‌ای در کشور شود (کریمی، ۱۳۸۸: ۷۹) و گروه‌های تجزیه‌طلبی همچون جیش العدل، پژاک و خلق عرب می‌توانند عرض اندام کنند و موجب تضعیف انسجام دولت ایران شوند و بقاء کشور را به خطر اندازند. (Aghazadeh Khoei, 2015)

۳. تضعیف بقاء دولت سوریه در محور مقاومت و قطع بازوی نیابتی ایران

ایران و سوریه به دلیل موقعیت‌های مناسب ژئوپلیتیکی و واقع شدن دو کشور در منطقه راهبردی خاورمیانه عمق استراتژیک یکدیگر محسوب می‌شوند. سوریه نسبت به جمهوری اسلامی ایران دارای مواضع بسیار خوبی می‌باشد، به نحوی که می‌توان از آن به‌عنوان هم‌پیمان استراتژیک کشورمان یاد نمود. (باباجانی‌پور، ۱۳۹۲: ۱۳۲) اهمیت روابط دو کشور به‌گونه‌ای است که رهبر انقلاب در ملاقاتی که در سال ۸۵ با بشار اسد داشته، ایران و سوریه را «عمق استراتژیک یکدیگر» نامیده و تأکید فرمودند که «این رابطه از دیرینه‌ترین و متمایزترین روابط کشورهای منطقه است» و سوریه یکی از مهم‌ترین پل‌های ارتباطی میان ایران و حزب الله

است (نجات، ۱۳۹۳: ۶۴۳) سوریه کشوری است که از دهه‌های گذشته تاکنون در خط مقدم جبهه مقاومت و پایداری در مقابل رژیم غاصب صهیونیستی و حمایت فلسطین قرار داشته و نقش مؤثری در حمایت از ایران و خنثی‌سازی توطئه‌ها و حیل‌های سران وابسته عرب علیه ایران را برعهده داشته (نطاق پور، ۱۳۹۰: ۹۸) ولی کشورهای غربی به همراه متحدان منطقه‌ای خود در خاورمیانه تلاش می‌کنند از طریق ظرفیت‌های گروه‌های تروریستی، سرمایه‌های راهبردی ایران را در منطقه نابود کنند. آنها برای دستیابی به این هدف، اقدام به بحران‌آفرینی امنیتی در حوزه‌های نفوذ ایران در منطقه کردند و آنها از طریق ایجاد و مسلح کردن داعش در سوریه و عراق به دنبال این هدف مهم هستند. (زارعان، ۱۳۹۴: ۱۹) در صورت حذف و سقوط دولت سوریه به دست گروه سلفی جهادی داعش، عمق استراتژیک ایران از طریق آمریکا، رژیم غاصب صهیونیستی و داعش آسیب می‌بیند و اهداف زیر به نفع دشمنان ایران تحقق خواهد یافت: ۱. در صورت سقوط سوریه به دست گروه سلفی جهادی داعش، حزب الله لبنان تنها خواهد ماند و راههای دسترسی ایران به گروه‌های جهادی به ویژه حزب الله مسدود خواهد شد. محروم کردن ایران از قطب منطقه‌ای خود یعنی سوریه می‌تواند به قطع بازوی نیابتی ایران یعنی حزب الله منجر شود که این مسئله به جایگاه داخلی و بین‌المللی ایران ضربه جدی خواهد زد. (باباجانی پور، ۱۳۹۲: ۱۳۴) ۲. آمریکا از طریق سوریه یک گام به ایران نزدیک خواهد شد و حلقه محاصره ایران کامل و مرزهای آن تهدید می‌شوند. و رژیم غاصب صهیونیستی از محاصره نجات خواهد یافت. (نطاق پور، ۱۳۹۰: ۱۰۶)

ب) تهدیدات سیاسی داعش بر محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

تهدیدات سیاسی متوجه ثبات سازمانی دولت است. هدف از تهدید سیاسی ممکن است از فشار بر حکومت در مورد سیاست خاصی گرفته تا واژگونی حکومت، جدایی طلبی و برهم زدن بافت سیاسی دولت برای تضعیف آن پیش از تهاجم نظامی، متفاوت باشد. ایده دولت؛ به خصوص هویت ملی و ایدئولوژی سازمان‌دهنده و نهادهایی که نمود آن هستند، اهداف عالی تهدیدات سیاسی به شمار می‌روند. چون دولت اصولاً موجودیتی سیاسی است، تهدیدات سیاسی امکان دارد به اندازه تهدید نظامی هراس‌انگیز باشند. (Buzan, 1998: 3017) از آنجاکه داعش در کنار آمریکا و رژیم غاصب صهیونیستی، دشمن شیعه و محور مقاومت است و فعالیت‌های تروریستی آنها در عراق و سوریه باعث بی‌ثباتی در ژئوپلیتیک شیعه می‌شود، تهدیدات سیاسی زیر را علیه نظام سیاسی ایران و محور مقاومت به همراه خواهد داشت:

۱. تضعیف شیعیان

تا قبل از وقوع انقلاب اسلامی، شیعیان نقش زیادی در مناسبات سیاسی حکومت‌ها و ساختار قدرت جهانی نداشتند. انقلاب اسلامی ایران باعث برانگیخته شدن شیعیانی شد که به‌عنوان بخش خاموش جوامع مسلمان تا

آن زمان هیچ‌گونه نقشی در سرنوشت خود در ساختار سیاسی کشورهای خود نداشته‌اند. (ملکوتیان، ۱۳۸۱: ۲) پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، شیعیان هویت تازه‌ای یافتند. چراکه پیروزی انقلاب ایران آنان را با الگوی عینی یک جنبش شیعی آشنا نمود و امیدهای تازه‌ای را به روی آنها گشود و آنها را در قلب حوادث و اخبار جهان قرار داده است. (متقی زاده، ۱۳۸۴: ۲۰۰) این مسئله به همراه افزایش قدرت و نفوذ ایران در لبنان و به قدرت رسیدن شیعیان در عراق پس از سرنگونی صدام، موجب تحولی بزرگ به سود ایران شد که تغییر ژئوپلیتیک شیعه در منطقه نام گرفته است. این بدان معنی است که رهبری و ابتکار عمل سیاسی در خاورمیانه که از پایان جنگ جهانی دوم در اختیار دولت‌های عرب سنی بود، اینک به دست شیعیان افتاده است، شیعیانی که رهبری آن را تهران در اختیار دارد (شیرازی، ۱۳۹۳: ۱۰۳) لذا تسلط داعش بر شیعیان به‌عنوان مخاطبان ذاتی و دارایی راهبردی ایران می‌تواند این موقعیت را به نفع بازیگران منطقه‌ای رقیب ایران یعنی ترکیه و عربستان تغییر دهد و باعث محصور شدن موقعیت ژئوپلیتیک ایران در منطقه شود. (Truancy Miller, 2009) که این امر تهدیدی جدی علیه امنیت ملی ایران و قدرت شیعیان است. (باقری، ۱۳۹۲: ۳۷)

۲. منحرف کردن بیداری اسلامی

بیداری اسلامی یک حرکت ضد آمریکا، ضد استبداد و ضد دست نشانندگان آمریکا در منطقه بوده، حرکتی که از سوی مردم در کشورهای مختلف خاورمیانه و شمال آفریقا، علیه متحدان منطقه‌ای آمریکا صورت گرفته بود و بعضی از آنها را ساقط و بعضی از آنها از جمله عربستان سعودی را با بحران مشروعیت مواجه کرده است. بیداری اسلامی به‌عنوان پدیده‌ای مؤثر از نهضت فکری جمهوری اسلامی نقش ویژه‌ای در روند بیداری ملل مسلمان منطقه ایفا کرده است. این جنبش‌ها تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران باعث افزایش حاکمیت هویت‌های مذهبی در کشورهای خاورمیانه، افزایش نفوذ جمهوری اسلامی ایران و ناکامی عربستان سعودی در گسترش نفوذ این کشور در منطقه شده است. (میرزایی، ۱۳۹۳: ۱۶۶) ولی جریان سلفی جهادی داعش با افکار ظاهری و ضد اسلامی این حرکت عظیم ضد استکباری و استبدادی را به جنگ بین مسلمانان و شیعه‌کشی تغییر جهت داده است و ایران به‌عنوان تنها دولت اسلام‌گرای شیعی در جهان به لحاظ مذهبی و ایدئولوژی نمی‌تواند نسبت به سرنوشت شیعیان بی‌توجه باشد. این مسئله باعث می‌شود که ایران وارد یک منازعه ممتد نظامی، سیاسی شود و قدرت چانه‌زنی آن در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای کاهش پیدا کند. (احمدی، ۱۳۹۴: ۱۶۵)

۳. استقلال‌گردها و مسئله تمامیت ارضی ایران

ظهور گروه‌های سلفی جهادی داعش و ضدیت آنها با شیعیان، باعث تسریع در اعلام استقلال کردهای عراق شده است (Zachary & Masters, 2015:74) پس از فروپاشی نیروهای دولتی در موصل و تکریت،

کردها بلافاصله اقدام به تصرف شهرهای مجاور و منابع نفتی آن کرده است و رهبر اکراد عراق (مسعود بارزانی) خواستار برگزاری همه‌پرسی استقلال شده است. بنابراین تشکیل دولت‌گردنشین در عراق می‌تواند تهدیدی برای ایران محسوب شود. زیرا کردها حداقل ۱۰ درصد از جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند (میهاو، ۱۳۹۳: ۳) و فعالیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کردها در قالب یک دولت‌گردنشین در کنار ایران باعث افزایش مطالبات سیاسی و فرهنگی کردهای ایران از دولت مرکزی خواهد شد. هر اندازه که نقش نخبگان و سیاستمداران کُرد در اداره حکومت اقلیم کردستان پررنگ‌تر شود، روند مطالبات سیاسی و اجتماعی کردهای ایران سیر صعودی خواهد یافت. این مسئله چالشی برای امنیت ملی ایران و تمامیت ارضی ایران به حساب می‌آید. (دهنوی، ۱۳۹۳: ۱۶۹) در کنار این تهدید، تهاجم داعش به اقلیم کردستان برای ما دارای اهمیت است. زیرا در صورت برتری داعش در اقلیم کردستان و همسایگی‌شان با کردستان ایران، فرصتی برای اشاعه افکار افراطی در میان برخی از لایحه‌های ملت برای آنها فراهم خواهد شد و هر کنش و واکنشی که در این منطقه به وقوع بپیوندد و به کاهش قدرت ایران بینجامد، بر قدرت گرفتن ترکیه و عربستان، امریکا و رژیم غاصب صهیونیست به‌عنوان رقبای ژئوپلیتیک و حتی ایدئولوژیک ایران کمک کرده و قدرت و منافع ملی ما را تضعیف خواهد کرد. (عبدی، ۱۳۹۴)

۴. چرخش توازن قدرت به سود ائتلاف ضد ایرانی «غربی - عربی - عبری»

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، اتخاذ رویکرد توجه به جهان اسلام و مبارزه با اشغالگری‌های اسرائیل از سوی ایران، باعث روند همگرایی جبهه مقاومت (سوریه، حزب الله و حماس) با ایران و دستیابی این کشور به اولین متحدان راهبردی خود در منطقه شده است. و سقوط صدام حسین در سال ۲۰۰۳ م. در عراق و روی کار آمدن متحدان شیعه ایران در عراق منجر به خلق دومین متحد راهبردی ایران در منطقه گردید (Beaumont, 2014: 9) همراهی این متحدان با سیاست‌های ایران در منطقه از یک سو باعث خشم و عصبانیت کشورهای حوزه خلیج فارس شده و موازنه قدرت را علیه ایشان بر هم زده است و از سوی دیگر این اتحاد، سیاست‌های آمریکا و اسرائیل در منطقه را با چالش مواجه ساخته و به‌عنوان مانع بزرگی فراروی طرح خاورمیانه بزرگ قرار گرفته است. (Bascio, 2007: 84) بنابراین تسلط داعش بر محور مقاومت می‌تواند باعث تضعیف یا ساقطسازی نظام‌های سیاسی عراق و سوریه گردد و مجدداً توازن قدرت را به سود ائتلاف ضد ایرانی «غربی - عربی» تغییر و ایران را از قدرت برتر منطقه‌ای به حاشیه برانند و امنیت ملی این کشور را با چالش مواجه سازند. (آدمی، ۱۳۹۴: ۸)

براساس ادبیات جهادگران سلفی، مبارزه با دشمن نزدیک (العدو القریب) اولویت دارد. از این منظر، اساساً علت وجود استعمار و دشمنان دور (العدو البعید) حاکمان و دشمنان نزدیک هستند که از برقراری حکومتی مبتنی بر مشروعیت جلوگیری می‌کنند. بنابراین جنگ با استعمار و دشمنان دور، ائتلاف وقت است.

اکنون گروه‌های تروریستی نظیر داعش با ادعای احیای خلافت اسلامی، به تفکر «العدو القریب اولی من عدو البعید» بازگشتند (عبدالسلام فرج، ۱۹۸۲) در نتیجه، گروه‌های سلفی جهادی براساس این زمینه گفتمانی و رژیم غاصب صهیونیستی براساس مسئله دشمن مشترک، و سیاست راهبردی «دشمن دشمن من، دوست من است» از نوعی تقاطع و هم‌پوشانی منافع برخوردارند. (عبدخدائی، ۱۳۹۴: ۱۶۰) با این اقدامات گروه‌های سلفی جهادی سبب خواهد شد که کشورهای مخالف رژیم غاصب صهیونیستی در لاک دفاعی فرو رفته و به تضعیف و یا حتی ساقطسازی عراق و سوریه انجامد و مجدداً توازن قدرت را به سود ائتلاف ضد ایرانی «غربی - عربی - عبری» تغییر دهد و سقوط بغداد و دمشق یک فروپاشی تمام عیار در هندسه قدرت منطقه‌ای ایران تلقی خواهد شد و دایره نفوذ ایران در جهان عرب و از سواحل شرقی دریای مدیترانه تا قلمرو شیعی جنوب عراق تقلیل پیدا می‌کند و آن را از یک قدرت منطقه‌ای درجه اول و مستقل با نقش‌آفرینی ایجابی و سازنده به یک بازیگری حاشیه‌ای و با رویکرد سلبی و مقابله‌جویانه تنزل خواهد داد. (باباجانی‌پور، ۱۳۹۲: ۱۳۵)

۵. گسترش حضور آمریکا در منطقه و تضعیف عمق استراتژی ایران

ظهور داعش باعث گسترش حضور سیاسی - نظامی کشورهای غربی در منطقه در قالب ائتلاف علیه داعش شد که این امر باعث گسترش حضور آمریکا در عراق و سایر کشورهای خلیج فارس می‌گردد. همین امر می‌تواند به افزایش شمار پایگاه‌های نظامی قدرت‌های فرامنطقه‌ای در همسایگی ایران بینجامد و حضور آمریکا در قالب اتحاد علیه داعش در همسایگی ایران، رقابت امنیتی دو کشور را به شدت افزایش می‌دهد. رقابتی که ضمن بالا بردن احتمال رویارویی، در درازمدت توان ملی کشور را به شدت دچار فرسایش می‌سازد. از سوی دیگر حضور نیروهای نظامی خارجی، سبب تشویق توسعه افراط‌گرایی و گسترش تحرکات تروریستی در منطقه می‌گردد. (واعظی، بی‌تا: ۳۲) لذا این بحران با تغییر موازنه استراتژیک در منطقه، ضمن تضعیف عمق استراتژیک ایران، این کشور را به سوی حل مناقشه با غرب و تن دادن به تعاملات راهبردی گسترده با نظام سلطه هدایت می‌کند. (عبد خدائی، ۱۳۹۴: ۱۶۳)

ج) تهدیدات مذهبی - فکری داعش بر محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

باری بوزان، امنیت اجتماعی را توان حفظ و ایمنی الگوهای سنتی، زبان، فرهنگ، هویت مذهبی و نژادی تعریف کرده و تحول یا ترتیبات جدید را به‌عنوان یک تهدید علیه آنها می‌داند. از نظر وی تهدیدات اجتماعی زمانی واقع می‌شوند که اصولاً ماهیت اجتماعی یک دولت در معرض خطر قرار گیرد و معتقد است که در روابط بین دولت‌ها، تهدیدات خارجی مهم در سطح اجتماعی، به حمله به هویت ملی مربوط می‌شود. (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۴۷)

آنچه که در بحث امنیت اجتماعی اهمیت پیدا می‌کند امنیت انسانی و امنیت فرهنگی است. «امنیت انسانی به محافظت مردم از خطرات تهدیدکننده جدی زندگی مربوط می‌شود» (پائولین کر، ۱۳۸۷: ۶۰۷)

امنیت فرهنگی برجسته‌ترین چهره و درونی‌ترین لایه یک جامعه است. «امنیت فرهنگی عبارت از ایجاد وضعیتی مطمئن، آرام بخش و خالی از هرگونه تهدید و تعرض می‌باشد که انسان نسبت به دین، افکار، آداب و رسوم، باورها و ارزش‌ها، میراث فرهنگی، آثار ادبی و ... تدارک دیده است» براساس این تعریف، امنیت فرهنگی در معنای عینی آن «فقدان تهدید» میراث فرهنگی و آثار و ارزش‌های کسب شده است و در معنای ذهنی آن «فقدان ترس» از هجمه و حمله‌هایی است که ارزش‌ها، آداب و رسوم، اعتقادات و باورها را در معرض خطر استحاله و یا نابودی قرار می‌دهد. (عصاریان نژاد، ۱۳۸۴: ۸۳) گروه داعش به‌عنوان نمود عینی تعریف فوق با اقدامات تروریستی خود، آرامش، آسایش و امنیت انسانی عراق و سوریه را سلب کرده است. داعش ترس و وحشت را نه تنها در داخل دو کشور یاد شده بلکه در سراسر منطقه خاورمیانه و حتی فراتر از آن (در فرانسه و روسیه) ایجاد کرد. با تخریب قبور اصحاب پیامبر، بناهای تاریخی اسلامی، دست به تخریب ارزش‌ها، آداب و رسوم، اعتقادات و باورهای مردم مسلمان زده است. (مشرق نیوز، ۳۰ آذر، ۱۳۹۳) بنابراین حضور داعش با گرایش‌های فرقه‌گرایانه قوی به‌عنوان یکی از دشمنان ایدئولوژی شیعه و ایران در کنار مرزهای ایران با تنوع قومی - فرقه‌ای تهدیدات اجتماعی را علیه امنیت ملی ایران به همراه خواهد داشت که عبارت‌اند از:

۱. مخدوش کردن منزلت ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران

مهم‌ترین منزلت جمهوری اسلامی ایران در منطقه، مقام و منزلت ایدئولوژیک آن در بین مسلمانان و حتی غیرمسلمانان است. این جایگاه مثبت از مهم‌ترین ره‌آورد‌های انقلاب اسلامی است که دست‌کم از جنبه معنوی به امت اسلامی وحدت سیاسی می‌بخشد. به‌طور حتم تداوم منزلت ایدئولوژی و ارتقای آن منوط بر تضعیف شکاف‌های «سنی - شیعه» و «اعراب - عجم» در برابر تضاد «اسلام - غرب» و «اسلام - صهیونیسم» است. ولی گروه داعش با افکار سلفی جهادی خود، با معکوس کردن معادله فوق این منزلت معنوی را مخدوش کرده و با دستاویزهای مذهبی، همزیستی میان شیعه و سنی را به‌شدت به مخاطره می‌اندازد و شکاف سنی - شیعه را در برابر شکاف اسلام و غرب تقویت می‌کند. از این منظر رویکرد سلفی‌گری داعش در تلاقی با جهت‌گیری قدرت‌های غربی - صهیونیستی قرار می‌گیرد که به جای خط مشی «وحدت‌گرایانه» اختلاف و واگرایی را توسعه داده است. (کشاورز، ۱۳۹۱: ۱۴۹)

۲. تضعیف انسجام ملی مردم ایران از طریق تنش‌های مذهبی

بسیاری از جامعه‌شناسان ادعان دارند که دین به واسطه توافقی که بین انسانها ایجاد می‌کند، باعث نوعی نظم و هماهنگی می‌شود، اما فرقه‌گرایی مذهبی یکی از عواملی است که مانع بروز کارکرد انسجام‌بخش دین می‌شود. در صورتی که فرقه‌گرایی مذهبی داعش که ضد کارکرد انسجام‌بخش دین است و بر وجه تمایز هویت مذهبی خود با سایر فرقه‌های مذهبی تأکید می‌ورزد به داخل مرزهای ایران که مذهب یکی از

مهم‌ترین ارکان تشکیل‌دهنده هویت ملی است، کشیده شود می‌تواند آسیب‌ها و ضربات جبران‌ناپذیری بر هویت ملی جامعه و از آن طریق بر وحدت و انسجام ملی وارد کند. (جهانی، ۱۳۹۲: ۳۲)

۳. توسعه مبانی مذهبی متفاوت از ایده نظام سیاسی ایران

حکومت اسلامی ایران بر مبنای یک نظریه و فلسفه بنیادی شکل گرفته است که اسلام ناب محمدی (ﷺ) مبتنی بر مکتب تشیع و ولایت مطلقه فقیه قلب و مرکز آن را تشکیل می‌دهد که مصداق عینی و بیرونی آن جمهوری اسلامی ایران است. با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران دارای مواضع حکومتی و رسمی مذهبی است. در صورتی که مبانی ایدئولوژی داعش که مبتنی بر خصومت با شیعه و مغایر با نظام جمهوری اسلامی ایران است در منطقه گسترش پیدا کند و دامنه آن به اقلیت‌های مذهبی در استان‌های مرزی ایران، به‌ویژه در هرمزگان، سیستان بلوچستان، خوزستان، کردستان، آذربایجان غربی و خراسان شمالی و خوزستان که رگه‌هایی دال بر گسترش تنش‌های قومی - فرقه‌ای متأثر از دخالت‌های عوامل خارجی مشاهده می‌شود کشیده شود، باید منتظر تهدیدی برای ایده نظام جمهوری اسلامی ایران بود. (کریمی خورگانی، ۱۳۸۸: ۷۸)

۴. تخریب اماکن مقدس اسلامی و تشدید تضاد مذهبی میان شیعه و سنی

گروه داعش با ورود به نقاط شهری و روستایی، عناصر معماری، سازه‌های تاریخی و فرهنگی اسلام را تخریب یا تغییر می‌دهد. داعش قبور اصحاب پیامبر (ﷺ) از جمله حجر بن عدی، مرقد و مسجد امام محمد الدری از نوادگان امام موسی کاظم (ع) و مرقد السید صالح النعیمی، مرقد یونس نبی و شیث نبی را منفجر کردند. این تخریب‌ها از یک سو باعث زشت نشان دادن چهره اسلام در جهان و از سوی دیگر، آتش‌افروزی میان مذاهب شیعه و سنی است، داعش سندی موسوم به «سند شهر» در موصل صادر کرد که براساس آن خواستار تخریب اماکن مقدس اسلامی شده است و در صورتی که داعش بر شهرهای محل بارگاه مطهر ائمه اطهار تسلط پیدا کند، براساس عقاید سلفی خود و سند مزبور، که این نوع زیارتگاه‌ها را نماد شرک می‌داند، دست به تخریب آنها خواهد زد که این امر تهدیدی جدی علیه امنیت اجتماعی و هویت شیعی ایران خواهد بود. (آدمی، ۱۳۹۵: ۱۵)

۵. تضعیف امت اسلامی از طریق مشروع جلوه دادن پدیده تروریسم مخدوش کردن چهره ناب اسلام

محمدی (ﷺ)

البغدادی: «تروریسم برای مسلمانان است تا مسلمانان مثل یک مسلمان زندگی کنند» (احمدی، ۱۳۹۴: ۱۶۳) لذا داعش اعمالی چون ترور و قتل را برای رسیدن به اهداف خود مشروع می‌داند و سیاست موازنه وحشت را در پیش گرفته است. کاربرد تروریسم و خشونت توسط داعش، علاوه بر ارایه چهرای زشت و ترسناک از اسلام و تشدید پدیده اسلام‌هراسی، پدیده نامشروع تروریسم را مشروع جلوه داده است. (Staff2, 2014) داعش با تأکید بر جنگ شیعه و سنی، منادی جنگ و برادرکشی میان امت اسلامی است و داعش در اولین

شماره از نشریه دابق، ضمن تأکید بر فرارسیدن جنگ با آمریکا، جنگ میان شیعه و سنی را اولویت اصلی خود قرار می‌دهد. در این روند جنگ شیعه و سنی از طریق عملیات تروریستی نتیجه‌ای جز تضعیف امت اسلامی و قدرت‌ها و دولت‌های مسلمان نخواهد داشت که این نتیجه کاملاً برای دشمنان اسلام و گفتمان‌های مبتنی بر نابودی اسلام مطلوب است و چنین اقداماتی ایجاد یک هویت فراگیر در قالب گفتمان امت اسلامی که از اصول و اهداف جمهوری اسلامی ایران است را ناممکن ساخته است. (زارعان، ۱۳۹۳: ۸۶)

۴. تهدیدات اقتصادی داعش بر محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

از نظر باری بوزان تهدیدات اقتصادی، سخت‌ترین و پیچیده‌ترین تهدیدات در چارچوب امنیت ملی است. تهدیدات اقتصادی یعنی عدم دسترسی به منابع اولیه و بازارهای لازم برای حفظ سطوح قابل قبولی از رفاه و قدرت دولت. تهدیدات اقتصادی اغلب اوقات جزء امور عادی هستند و به راحتی نمی‌توان آنها را با منطق امنیت ملی مرتبط ساخت. اما وقتی عواقب تهدید اقتصادی به ماورای حوزه بخش اقتصادی، مثلاً به امور نظامی و سیاسی گسترش می‌یابد، آنگاه مسائل نسبتاً واضح‌تری از امنیت ملی بروز و ظهور می‌نماید. تهدیدات اقتصادی شبیه حمله یک دولت به دولت دیگری است. (Buzan, 1998: 157) گروه تروریستی داعش به‌عنوان نمود عینی تعریف فوق از طریق بی‌ثباتی و ناامنی سیاسی که در منطقه محور مقاومت ایجاد کرده، امنیت اقتصادی این کشورها را که به معنای توانایی تأمین نیازهای جامعه، رفاه اقتصادی و توسعه تجارت، بازرگانی، واردات و صادرات است را تهدید و روابط تجاری ایران با کشورهای عراق و سوریه را دچار اختلال کرده است (سبحانی نیا، ۱۳۹۴: ۲۱) در صورت تسلط بر ژئوپلیتیک شیعه تهدیدات اقتصادی شدیدتری می‌تواند علیه امنیت اقتصادی ایران و محور مقاومت داشته باشد که اهم تهدیدات صورت گرفته و تهدیدات آینده این گروهک تروریستی عبارت‌اند از:

۱. خارج شدن مسیر انتقال انرژی از کنترل ایران

در کنار عراق و ایران که دارای جمعیت شیعه هستند، کشورهای لبنان و بحرین به‌دلیل جمعیت زیاد شیعی و سوریه با حاکمیت اقلیت شیعیان علوی به‌دلیل سکونت در مناطق نفت‌خیز، تحولات ژئوپلیتیکی را از خلیج فارس تا دریای مدیترانه تحت تأثیر قرار داده‌اند و به گفته نوام چامسکی بیشترین ذخایر انرژی در منطقه‌ای موسوم به محور مقاومت قرار دارد و نفوذ ایران بر محور مقاومت، تلاش آمریکا را برای کنترل منابع انرژی خاورمیانه به چالش می‌کشد. در راستای چنین هدفی از سال ۲۰۱۱ م. طرح احداث خط لوله گاز ایران، سوریه و عراق در جهت استفاده از ظرفیت بی‌نظیر ترانزیت انرژی محور مقاومت و فعال کردن بعد اقتصادی این محور شکل گرفته است که در صورت تحقق باعث می‌شود که محور مقاومت علاوه بر نقش آفرینی سیاسی به یک بازیگر فعال ژئواکونومیک و اقتصادی تبدیل شود و کنترل مهم‌ترین ذخایر انرژی جهان را مستقل از آمریکا برعهده گیرند و به ارتقای جایگاه منطقه‌ای ایران و محور مقاومت بینجامد. ولی از سال ۱۳۹۲ با ترور

مهندسان و کارکنان ایرانی و عراقی سازنده این خط لوله گاز در شمال بغداد و نیز اشغال استان دیاله عراق توسط داعش، آینده پروژه فوق در ابهام فرورفته. در صورت تسلط داعش بر محور مقاومت، این موقعیت ژئواکونومیک و اقتصادی ایران و محور مقاومت به نفع آمریکا تغییر می‌کند و باعث محصور شدن موقعیت ژئوپلیتیک ایران در منطقه می‌شود. (معروف، ۱۳۹۰: ۲۷۸)

۲. تهدید جریان انرژی و امنیت اقتصادی ایران

انرژی یکی از مسائل حساس خاورمیانه و به‌طور مشخص حوزه خلیج فارس است که اهمیت حیاتی برای بازیگران منطقه‌ای دارد و هرگونه تهدید در امنیت انرژی می‌تواند امنیت کشورهای منطقه را تهدید کند و به سرعت تبدیل به یک شوک تمام عیار برای اقتصاد جهانی شود. ایران یک طرف عمده این مسئله است، چراکه درصد بیشتری از اقتصاد ایران وابسته به فروش این انرژی است و هرگونه بی‌ثباتی توسط داعش در روند انتقال انرژی تأثیر منفی بر اقتصاد ایران خواهد داشت. (شیرازی، ۱۳۹۳: ۱۰۹)

۳. تهدید بازار، تجارت و سرمایه‌گذاری در عراق و سوریه و امنیت اقتصادی ایران

حضور پررنگ جریان‌های سلفی جهادی در محور مقاومت و به‌ویژه مرزهای مشترک دو کشور عراق و سوریه و در واقع قطع نسبی گذرگاه‌های زمینی دو کشور، آینده سرمایه‌گذاری ایران در این دو کشور و نیز هدف‌گذاری بر روی بازارهای مختلف داخلی ایشان را با چالش مواجه ساخته است و بحران‌زایی داعش در عراق و سوریه به‌طور مستقیم بر امنیت اقتصادی ایران تأثیر منفی گذارده و می‌تواند بازارهای میلیارد دلاری عراق و سوریه که از بهترین فرصت‌ها و ظرفیت‌های بازرگانی ایران است، را از دسترس خارج نماید و روابط تجاری ایران با این دو کشور را دچار اختلال کند، زیرا هم مسیر نقل و انتقال کالاها را ناامن کرده و هم کشورهای درگیر جنگ، نیازهای خود را جابه‌جا کردند و مردم از بسیاری از کالاها استفاده نمی‌کنند. احساس ناامنی و اطمینان نزد تجار ایرانی، نبود مرزهای امن و کاهش عبور و مرور کالاها، و فضای تبلیغ روانی علیه کالاهای ایرانی تحت حمایت عربستان دلیل سخت‌تر شدن مراودات تجاری ایران و عراق و سوریه به‌شمار می‌روند. لذا تسلط داعش بر عراق و سوریه به‌طور مستقیم بر امنیت اقتصادی ایران تأثیر منفی گذارده و می‌تواند بازارهای ده‌ها میلیاردی محور مقاومت که از بهترین فرصت‌ها و ظرفیت‌های بازرگانی ایران است، را از دسترس خارج نماید و جبران چنان خسارت بزرگ اقتصادی به سادگی امکان پذیر نخواهد بود. (زحمت کش، ۱۳۹۵: ۱۷۱)

نتیجه

گروه سلفی جهادی داعش به‌عنوان محصول اشغالگری آمریکا از سال ۲۰۱۳ در محور مقاومت رشد و گسترش پیدا کرده و توانست بر قسمتی از محور مقاومت تسلط پیدا کند. از آنجایی که محور مقاومت منطقه

راهبردی جمهوری اسلامی ایران است و هرگونه بی‌نظمی و بی‌ثباتی سیاسی و نظامی در این منطقه تهدیداتی را علیه امنیت ملی ایران به همراه خواهد داشت. لذا حضور داعش در این منطقه راهبردی باعث بی‌ثباتی و بی‌نظمی در این منطقه شده و تهدیداتی موسمی را علیه امنیت جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت در چهار بعد امنیتی - نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به همراه داشته که عبارت‌اند از: در بعد نظامی، نظام سیاسی سوریه را با خطر سقوط مواجه کرده که این امر باعث قطع بازوی نیابتی ایران در محور مقاومت می‌شود و حضور داعش در عراق و کنار مرزهای ایران باعث شده تا ایران در تیررس داعش قرار گیرد و امکان حملات مستقیم نظامی به مرزهای ایران و فرصت‌سازی برای جریان‌های تجزیه‌طلب در شرق و غرب کشور افزایش یابد. در بعد سیاسی باعث منحرف کردن بیداری اسلامی، تضعیف دوباره شیعیان و حضور دوباره نیروهای آمریکا در قالب اتحاد علیه داعش و چرخش توازن قدرت به سود ائتلاف ضد ایرانی «غربی - عربی - عبری» می‌شود. در بعد اقتصادی با تسلط بر بخش‌هایی از محور مقاومت باعث کاهش روند تجارت صادرات و واردات بین ایران، سوریه و عراق شده و در صورت تسلط بر ژئوپلیتیک انرژی شیعه باعث اختلال در صدور انرژی و تغییر موقعیت ژئوپلیتیکی ایران به نفع آمریکا می‌شود که این امر محصور شدن ایران در منطقه را در پی خواهد داشت. در بعد اجتماعی باعث مخدوش شدن منزلت ایدئولوژی جمهوری اسلامی ایران، تخریب فرهنگ اسلامی و مخدوش کردن چهره اسلام ناب محمدی (ﷺ) و توسعه مفاهیمی به غیر از ایده نظام سیاسی جمهوری اسلامی گردیده و در صورت تسلط کامل بر محور مقاومت می‌تواند باعث ایجاد تنش‌های قومی - قرقه‌ای، بسترسازی برای گروه‌های افراطی و برخورد‌های مسلحانه در مرزهای ایران باشد. لذا مقامات جمهوری اسلامی ایران برای برون‌برد از تهدیدات فوق نیاز است اقدامات زیر را انجام دهند:

دولت توسعه همه جانبه استان‌های مرزی و حضور نظامی گسترده در مرزهای کشور را در صدر اولویت خود قرار دهد و در کنار آن حوزه علمیه با فرستادن سفیران فرهنگی و مذهبی خود در استان‌های مرزی، جوانان را از خطر چنین پدیده شومی آگاه سازد؛

حضور نظامی و مستشاری پرننگ در عراق و سوریه در جهت جلوگیری از پیشروی داعش؛ حفاظت از اماکن مقدس در عراق و سوریه و حمایت همه جانبه از مدافعان اماکن مقدس چه ایرانی و چه غیر ایرانی؛

رایزنی گسترده با روسیه و چین در حمایت از حکومت سوریه و عراق در مقابل داعش؛ حمایت همه جانبه از حزب الله در خاک سوریه برای دفاع از خاک سوریه در مقابل داعش؛ مشارکت فعال در فرایند مذاکرات سیاسی سوری - سوری برای حل بحران سوریه و همکاری با نماینده سازمان ملل متحد در امور سوریه؛

کمک‌های اقتصادی به دولت بشار اسد برای بازسازی آنی سوریه.

منابع و مآخذ

۱. آدمی، علی و الهام کشاورز مقدم، ۱۳۹۴، «جایگاه مجموعه امنیتی محور مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، سال چهارم، شماره ۱۴.
۲. آدمی، علی، ۱۳۹۵، «تأثیر تهدیدات گروه‌های سلفی - تکفیری بر امنیت هستی‌شناختی ج.ا.ا.»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، سال پنجم، شماره ۱۹.
۳. احمدی، علی، ۱۳۹۴، «تأثیر فرهنگی داعش بر جغرافیای فرهنگی عراق و سوریه»، *مجله فرهنگ اسلامی*، شماره ۲۳، ص ۱۳۱.
۴. باباجانی، زهرا، ۱۳۹۲، «راهبرد ایالات متحده آمریکا در سوریه از ۲۰۱۲ - ۲۰۱۱»، *فصلنامه مطالعات منطقه‌ای*، شماره ۴۸، ص ۱۴۰ - ۱۱۵.
۵. بوزان، باری، ۱۳۷۸، «مردم، دولت‌ها و هراس»، ترجمه مطالعات راهبردی، تهران، *مطالعات راهبردی*.
۶. پائولین کر، ۱۳۸۷، «امنیت انسانی»، ترجمه سید جلال الدین دهقانی فیروز آبادی، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال یازدهم، شماره سوم.
۷. پوردستان، حمیدرضا، ۱۳۹۵، «ناگفته‌هایی از برنامه‌های داعش برای حمله به ایران»، *خبرگزاری مهر*، کد خبر ۳۷۵۵۷۳۹.
۸. دهنوی، مهدی و حسین تاج آبادی، ۱۳۹۳، «فدرالیزم عراق و امنیت ملی ایران؛ فرصت‌ها و چالش‌ها»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۱۸.
۹. دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۴، «سلیحات ایران که داعش باید از آنها بترسد»، ترجمه حسین هوشیاری، *دیپلماسی ایرانی*، پنجشنبه ۲۰ فروردین، کدخبر ۸۸۱۰۳.
۱۰. رضاخواه، علیرضا، ۱۳۹۱، «محور مقاومت به عنوان یک ائتلاف منطقه»، *پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس*.
۱۱. زارعان، احمد، ۱۳۹۴، «بررسی ریشه‌ها و ویژگی‌های مشترک بحران‌های خاورمیانه با تأکید بر بحران سوریه و عراق»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، سال شانزدهم، شماره ۱.
۱۲. _____، ۱۳۹۴، «زمینه‌های ظهور و گسترش داعش در محیط امنیتی غرب آسیا»، *فصلنامه آفاق و امنیت*، سال هفتم، شماره ۲۳.
۱۳. زحمتکش، حسین و دیگران، ۱۳۹۴، «تحریک‌پذیری سافیت جهادی در غرب آسیا و امنیت عمومی ایران»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی ایران*، سال سیزدهم، شماره ۴۴.

۱۴. سبحانی نیا، علی، ۱۳۹۴، «نامنی تجارت منطقه را تهدید می کند»، *دیپلماسی ایرانی*.
۱۵. سنایی، اردشیر، ۱۳۹۵، «ظهور داعش و تأثیر آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه روابط بین الملل*، سال نهم، شماره ۳۴.
۱۶. شیرازی، حبیب الله و رضا پارسه، ۱۳۹۳، «اتتلاف سه گانه ایران، سوریه و حزب الله و تأثیر آن بر منافع آمریکا در خاورمیانه»، *فصلنامه سیاست جهانی*، دوره سوم، شماره اول.
۱۷. عبدالسلام، فرج، ۱۹۸۲، *الجهاد فریضة غائبة*، مکتبه فلسطین للکتب المصوره.
۱۸. عبدالله خانی، علی، ۱۳۸۸، «طرح ریزی الگوی کلان امنیت ملی»، *فصلنامه مدیریت بحران*، سال اول، شماره ۴ - ۳.
۱۹. عبدالله خانی، علی، الف ۱۳۸۹، «نظریه های امنیت» تهران، ابرار معاصر.
۲۰. _____، ب ۱۳۸۹، *پژوهش و تحقیق، امنیت نرم*، تهران، ابرار معاصر.
۲۱. عبدخدایی، مجتبی و دیگران، ۱۳۹۴، «نقش گروه های تکفیری - تروریستی سوریه و عراق در تأمین امنیت رژیم غاصب صهیونیستی»، *فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی*، سال دوازدهم شماره ۴۱.
۲۲. عبدی، عطاله الله، ۱۳۹۴، *پیامدهای ژئوپلیتیکی حضور داعش در منطقه محور مقاومت و حوزه نفوذ ایران*، کتابخانه دیجیتالی دید.
۲۳. عساریان نژاد، حسین، ۱۳۸۳، «امنیت و قومیت در جمهوری اسلامی ایران»، *ماهنامه دانشگاه عالی دفاع ملی*، شماره ۴۸.
۲۴. علوی، سید محمود، ۱۳۹۵، «ناگفته هایی از برنامه های داعش برای حمله به ایران»، *خبرگزاری مهر*، کد خبر ۳۷۵۵۷۳۹.
۲۵. قیداری، عباس، ۱۳۹۴، «آیا ایران نگران تهدید داعش در مرزهاست؟»، *دیپلماسی ایرانی*، شنبه ۲۳ خرداد.
۲۶. کشاورز، حیدر، ۱۳۹۱، «تأثیر سلفی گری منطقه ای بر امنیت جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، سال نوزدهم، شماره ۲.
۲۷. مایل افشار، فرحناز، ۱۳۸۳، «ژئوپلیتیک شیعه» *نشریه سیاست روز*.
۲۸. متقی زاده، زینب، ۱۳۸۳، *جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه خلیج فارس*، قم، مؤسسه شیعه شناسی.
۲۹. معروف، یحیی، ۱۳۹۲، «ویژگی های جغرافیای قلمروهای شیعه نشین»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال دهم، شماره ۲۲.

۳۰. ملکوتیان، مصطفی، ۱۳۸۱، *انقلاب اسلامی ایران و حوزه نفوذ خارجی*، کتابخانه دیجیتال دید.
۳۱. میهاو، سعد، ۱۳۹۳، «چالش داعش بر اقتصاد ایران»، *اقتصاد ایران*، نگاه اول، مرداد ۱۳۹۳.
۳۲. نامدار، مظفر، ۱۳۸۵، *رهیافتی بر مکاتبها و جنبشهای شیعه در صد ساله اخیر*، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳۳. نجات، سید علی، ۱۳۹۳، «راهبردهای جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در قبال بحران سوریه»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال بیست و هشتم، شماره ۴.
۳۴. نطاق پور، مهدی و محمدرضا بشارتی، ۱۳۹۰، «علل همگرایی بین ایران و سوریه و تأثیر آن بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی*، شماره ۶۳.
۳۵. واعظی محمود، بی تا، *ایران و تهدیدات ناشی از بی ثباتی در افغانستان و پاکستان*، مرکز کانونهای بحران در آسیا، پژوهش ۲۶.
36. Afrasiabi, K., 2014, *The New Iraq Crisis: Irans Options*, Iran Review.
37. Aghazadeh Khoei, M., 2015, "Iran's Security and the Islamic State Through the Lenses of the Copenhagen School", *Studies in Conflict & Terrorism*, Vol. 3
38. Alloul, Jaafar., 2011, *the 'Shi'a Crescent, Theory Sectarian Identity or Geopolitics of Religion?* Faculty of Arts and Philosophy Department of Languages and Cultures of the Near East and North Africa.
39. Aragon, Tim, 2014, "Top Qaeda Leaders in Iraq Reported Killed in Raid", *The New York Times*, 22 August.
40. Beaumont, Peter., 2014, *How effective is Isis compared with the Iraqi army and Kurdish peshmerga?* The Guardian press.
41. Belin, Aaron Y, "The War between ISIS and al-Qaeda for Supremacy of the Global Jihadist Movement", *The Washington Institute for Near East Policy*, Number 20, June, 2014.
42. Buzan, Barry, Ole Weaver and Jalap de Wilde, 1998, *Security: A New Framework for Analysis*, L Aghazadeh Khoei, M., 2015, "Iran's Security and the Islamic State Through the Lenses of the Copenhagen School", *Studies in Conflict & Terrorism*, Vol. 38. ondon, Lynne Publishers.
43. Buzan, Barry, Weaver, Ole, Jalap De Wilde, 1998, *Security: "A New Framework for Analysis"*, Lynne Reiner Publishers.
44. IN bar, Ephraim, Sumer, 2012, "Israel's National Security Amidst Unrest in the Arab World", *the Washington Quarterly*, NO 35. Vol. 3.
45. Kramer. 2014, *Syria's Always and Shi'as*, in *Shi'as, Resistance, and Revolution*, Boulder, Colorado: Westview Press.
46. KurtCronin, Audrey., 2015, *ISIS Is Not a Terrorist Group? Why Counterterrorism Will not Stop the Latest Jihadist Threat*, *Foreign Affairs*, Vol. 11, No6.
47. Lotto, T&Wallenstein, P., 2014, *Armed Conflicts, 1946-2010*, *Journal of Peace Research*, Vol. 48, and No4.

48. Staff, Week, 2014, "Abu Bark al-Baghdadi: The Man who would be Caliph", Retrieved from:<http://theweek.com/article/index/267920/abubakr-al-baghdadi-the-man-who-would-be-caliph>.
49. Stout, David., 2014, More Americans Say Boots Are Needed on the Ground to Fight ISIS, Time, October 15, 2014, <http://time.com>.
50. Tracy Miller, end, 2009, Mapping the global Muslim population: a report on the size and distribution of the world's Muslim population) Pew Research Center, Oct. 2009).
51. Watts, Clint, 2014, Jihadi Competition after Al Qaeda Hegemony, The Old guard, Team ISIS & the Battle for Jihadi Hearts & Minds, Foreign Policy Research institute.
52. Zachary, Masters, J., 2015, Islamic State in Iraq and Greater Syria, Council on Foreign Relations.